

بھارت

تمسک اور کیفیت سوار

ہیو  
Hoopa

# تمساح اسكيت سوار



**فريبا كلهر**  
تصويرگر: امير خالقي



**هوپا**  
Hoopa

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،  
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۲/۱، واحد دوم غربی.  
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ | تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰  
www.hoopa.ir | info@hoopa.ir

- همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای  
نشر هوپا محفوظ است.
- هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و  
معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

سرشناسه: کلهر، فریبا، ۱۳۴۰ -  
Kalhor, Fariba

عنوان و نام پدیدآور: تمساح اسکیت‌سوار / نویسنده فریبا کلهر؛ تصویرگر امیر خالقی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۸-۰۸ (ص: مصور (رنگی)).  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۷-۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: گروه سنی: ب، ج.  
موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی  
موضوع: Short stories, Persian  
موضوع: داستان‌های تخیلی  
موضوع: Fantastic Fiction  
شناسه افزوده: خالقی، امیر، ۱۳۶۱ -، تصویرگر  
رده بندی دیویی: ۸۴۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۲۹۳۸۲۷

## تمساح اسکیت‌سوار

نویسنده: فریبا کلهر  
تصویرگر: امیر خالقی  
ویراستار: ناهید وثیقی  
مدیر هنری: فرشاد رستمی  
طراح گرافیک: فریبا دولت‌آبادی  
چاپ دوم: ۱۳۹۹  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۲۷-۸



## فهرست

داستان ۱: قصه‌ای پر از عطسه و جن بی‌لته	۹
داستان ۲: بچه‌گول گردالو خوار	۱۱
داستان ۳: حالا دیگر جغد گرسنه شده	۱۴
داستان ۴: بچه‌ی صدکیلویی یا مورچه‌ی سه‌مثقالی؟	۱۷
داستان ۵: پسرِ نیشسته	۱۹
داستان ۶: گربه‌ی دماغو یا قورباغه‌ی زیگیلو؟	۲۲
داستان ۷: ته‌ته شکم یک غول	۲۵
داستان ۸: درِ کمد را باز نکن	۲۸
داستان ۹: شام یک بع‌بعی را هیچ‌کس نمی‌تواند بخورد	۳۱
داستان ۱۰: جشن تولد کانگو	۳۵
داستان ۱۱: گاهی این‌طوری راه برو	۳۸
داستان ۱۲: یک زیردریایی هیچ‌کاره	۴۱
داستان ۱۳: کلاغ پَرآهنی یا خرگوش دُم‌سوزنی	۴۴
داستان ۱۴: فایقی که شوخی می‌کرد	۴۷
داستان ۱۵: چشم‌های یک غول	۵۰
داستان ۱۶: به مشت کرم خشکیده یا به کاسه ماست	۵۴
داستان ۱۷: آقا کوچولو و مرد گنده	۵۶
داستان ۱۸: جغدِ اخمو	۶۰
داستان ۱۹: هیولای انگوری یا مرد باباقوری	۶۴
داستان ۲۰: گربه	۶۷
داستان ۲۱: آقانوید داد زد	۷۰
داستان ۲۲: شهر میکروب‌های باهوش یا خرهای چموش	۷۳
داستان ۲۳: نخود هر آش	۷۶
داستان ۲۴: به کلاه بادآورده یا مارِ ایستاده	۷۸
داستان ۲۵: خوب بخوابی قورقورک	۸۰
داستان ۲۶: دوست بادبزنی	۸۳
داستان ۲۷: سوار به کیسه سیر یا قطار پیر	۸۶
داستان ۲۸: کلاغ و ساعت	۸۸
داستان ۲۹: موشی که افتاده توی ظرف مربا یا آش شوربا؟	۹۳
داستان ۳۰: تمساح اسکیت‌سوار	۹۵
داستان ۳۱: قصه‌ی کسی که از مال دنیا فقط یه پسر دایی داره	۱۰۰
داستان ۳۲: غول و ازدهای آسمانی	۱۰۲



## قصه‌ای پراز عطسه و جن بی‌لثه

دوست داری این کتاب با چه قصه‌ای شروع بشه؟

یه قصه‌ی ترسناک یا قصه‌ی مردی که رفته به اراک؟

یه قصه‌ی اندوهناک یا قصه‌ی بچه‌ای بی‌باک و

خوش‌خوراک؟

یه قصه‌ی پرحادثه یا قصه‌ای پراز عطسه و جن بی‌لثه؟

قصه‌ی مدرسه و درس هندسه یا قصه‌ی کوسه و کاسه و

آقاخروسه؟

قصه‌ی خنده‌دار یا قصه‌ی آدم‌خواری که به کارهاش

می‌کنه افتخار؟

قصه‌ی بچه‌غول گردالو خوار بهتره یا باز هم قصه‌ی بچه‌غول  
گردالو خوار؟

چی دوست داری؟

## بچه‌غول گردالو خوار



روزی یک بچه‌غول به دنیا آمد که غذا نمی‌خورد. بچه‌غول  
که خیلی گرسنه شده بود، راه افتاد تا خودش غذا پیدا کند.  
کمی که رفت، به نانواپی رسید. بعضی از نان‌ها گرد بودند،  
بعضی‌ها گرد نبودند. بچه‌غول نان‌های گرد را خرید و خورد  
و راه افتاد.

کمی بعد به یک میوه‌فروشی رسید. بعضی از میوه‌ها گرد  
بودند، بعضی گرد نبودند. بچه‌غول میوه‌های گرد را خرید و  
خورد و راه افتاد.





کمی بعد رسید به یک شیرینی فروشی. بعضی از شیرینی‌ها  
گرد بودند، بعضی گرد نبودند. بچه‌غول شیرینی‌های گرد  
را خرید و خورد.

بچه‌غول سیر شد و به خانه برگشت. شب که شد، نگاهش  
به ماه افتاد. ماه گردِ گرد بود. بچه‌غول گفت: «من اون رو  
می‌خوام.»

مادرش خندید و گفت: «حالا دستت به اون نمی‌رسه. اول  
باید یه عالمه خوراکی گرد بخوری، بزرگ بشی، بعد اون رو  
بخوری. عیبی هم نداره. نوش جونت!»

## مالا دیگر جفراگرسنه شده

روزی یک آدم فضایی به جنگل رفت و خواست همه جا را ببیند.  
دو تا کبوتر روی شاخه‌ی درختی لانه می‌ساختند.  
سه تا خرس پشت هم را می‌خاراندند.  
یک خرگوش هویج می‌خورد.  
دو تا جوجه تیغی دعوا می‌کردند و هی تیغ‌هایشان را برای  
هم می‌انداختند.  
کنار رودخانه مرغابی‌ها به جوجه‌هایشان شنا یاد می‌دادند.  
قورباغه‌ها با زبان درازشان پشه شکار می‌کردند.







## بچه‌ی صدکیلویی یا مورچه‌ی سه‌مقالی؟

وقتی داری توی پارک بازی می‌کنی، دوست داری هم‌بازی‌ات کی باشه؟

یه بچه‌خرس تپلی یا یه جوجه‌کبوتر کپلی؟

یه اژدهای داغ‌داغی یا یه کلاغ قارقاری؟

یه پسر مووزوزی یا یه دختر شنل‌قرمزی؟

یه بچه‌ی صدکیلویی یا یه مورچه‌ی سه‌مقالی؟

دوست داری با دیوارِ آجری بازی کنی یا با ظرفِ آجیل‌خوری؟

بازی با میلِ بافتنی بهتره یا بازی با قیف بستنی؟

میمون‌ها تاب می‌خوردند و نارگیل می‌کنند.

عنکبوت‌ها تار می‌بافتند.

آدم‌فضایی توی راه یک جغد هم

دید. جغد ساکت نشسته بود. نه غذا

می‌خورد، نه با کسی می‌جنگید، نه لانه می‌ساخت،

نه پرواز می‌کرد، نه تاب می‌خورد.

آدم‌فضایی به او گفت: «تو چرا بیکاری؟ توی این جنگل

هر کی داره کاری می‌کنه.»

جغد نگاهش کرد و گفت: «من بیکار نیستم. دارم نگاه

می‌کنم. حالا برو کنار می‌خوام غروب خورشید رو نگاه کنم.»

آدم‌فضایی روی شاخه‌ی درخت، درست کنار جغد نشست و

به غروب خورشید نگاه کرد. وقتی خورشید غروب کرد و همه‌جا

تاریک شد، آدم‌فضایی گفت: «نگاه کردن خیلی کار قشنگیه!»

اما جغد صدای او را نشنید. چون دیگه گرسنه شده بود و

رفته بود پی شکار.



# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:  
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛  
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛  
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر .....

کتاب‌فروشی‌های هوپا  
[www.hoopabooks.ir](http://www.hoopabooks.ir)



اینستاگرام هوپا  
[hoopa\\_publication](https://www.instagram.com/hoopa_publication)



سایت هوپا  
[www.hoopa.ir](http://www.hoopa.ir)



کانال تلگرام هوپا  
<https://t.me/hoopabooks>



هوپا مارکت، فروشگاه اینترنتی هوپا  
[www.hoopamarket.com](http://www.hoopamarket.com)

